



۶۳۶

پیدایش

مشروطه در ایران

عظیم

مجید یکتائی

این کتاب در ۲۰۰۰ نسخه به سرمایه شرکت نسبی اقبال در بهمن ماه ۲۵۳۶ شمسی در چاپخانه اقبال بچاپ رسید

جانبازان زرتشتی / مجاهدان کرمانشاهان /
آزادخواهان گیلان



xalvat.com



فهرست

پیدایش مشروطه در ایران

| صفحه | xalvat.com | عنوان |
|------|------------|--------------------------|
| ۵ | | دیباچه |
| ۶ | | پیدایش مشروطه در ایران |
| ۶ | | مقدمات انقلاب |
| ۸ | | مشروطیت در عثمانی |
| ۱۳ | | آغاز بیداری |
| ۱۶ | | کشته شدن ناصرالدین شاه |
| ۱۹ | | بلژیکی‌ها در ایران |
| ۲۵ | | تظلم و تحصن |
| ۲۹ | | روزنامه‌های دوران مشروطه |
| ۲۹ | | جبل‌المتین |
| ۳۰ | | روزنامه‌های دیگر |
| ۳۱ | | کمیته انقلاب |



| صفحه | عنوان |
|------|---------------------------|
| ۳۲ | مشروطه |
| ۳۵ | مشروطه یا مشروعه |
| ۳۸ | فرمان مشروطیت |
| ۴۶ | مقدمه انتخابات |
| ۵۱ | مجلس اول |
| ۵۷ | جنبش آزادیخواهان قفقاز |
| ۵۸ | رویدادهای تبریز |
| ۶۳ | تدوین قانون اساسی |
| ۶۴ | جشن گشایش مجلس |
| ۶۵ | تدوین قانون اساسی |
| ۶۶ | مرگ مظفرالدین شاه |
| ۶۹ | مجاهدان تبریز |
| ۷۴ | متمم قانون اساسی |
| ۷۷ | پیشوایان مشروطه |
| ۷۸ | پس از مرگ مظفرالدین شاه |
| ۷۹ | استیفای مشیرالدوله |
| ۸۰ | کشته شدن اتابک |
| ۸۱ | نتایج کشته شدن اتابک |
| ۸۳ | پایداری مشروطه خواهان |
| ۸۴ | عهدنامه ۱۹۰۷ |
| ۸۹ | جنگ باغشاه یا مجلس |
| ۸۹ | رفتن محمد علیشاه بیباغشاه |
| ۹۱ | بی خبری شهرها |



| صفحه | عنوان |
|------|--------------------------------------|
| ۹۲ | پیشرفت مشروطه |
| ۹۵ | استبداد صغیر |
| ۹۷ | آرایش دوصف |
| ۱۰۲ | ترس و بی‌خبری |
| ۱۰۳ | باسکرویل |
| ۱۰۵ | کشتار در تبریز |
| ۱۰۹ | در مشهد |
| ۱۱۱ | جانبازی زرتشتیان |
| ۱۱۴ | مجاهدان کرمانشاهان |
| ۸۱۸ | توپ بستن بگنبد و بارگاه حضرت رضا (ع) |
| ۱۱۹ | آزادیخواهان گیلان |
| ۱۲۰ | سازمان سری رشت |
| ۱۲۲ | رویداد روز عاشورا |
| ۱۲۳ | قیام رشت |
| ۱۲۳ | کشتی آقابالاخان سردار |
| ۱۲۶ | کمیته ستار |
| ۱۲۹ | فرماندهی و تشکیل نظامی ملی |
| ۱۳۰ | فرماندهی میرزا کوچک خان |
| ۱۳۱ | رویدادهای اصفهان |
| ۱۳۳ | پرتاب نارنجک |
| ۱۳۳ | اعتدالیون و انقلابیون |
| ۱۳۴ | تلگراف انجمن ملی تبریز |
| ۱۳۵ | انداختن نارنجک |



| صفحه | عنوان |
|------|------------------------|
| ۱۴۱ | پایان استبداد |
| ۱۴۳ | اوضاع تبریز |
| ۱۴۴ | تصرف تهران |
| ۱۴۶ | شکایت از کاردار انگلیس |
| ۱۴۷ | پناهندگی بسفارت روس |
| ۱۴۷ | پایان استبداد صغیر |
| ۱۴۸ | مجلس دویم |
| ۱۴۸ | مجلس سوم |
| ۱۴۹ | مجلس چهارم |
| ۱۵۰ | مجلس پنجم تا هجدهم |
| ۱۵۱ | پایان |



جانبازی زرتشتیان

فداکارهای مردم تبریز پارسیان را در هندوستان و ایران نیز بجنبش آورده و پارسیان پیوستگی خود را به اتحادیه آذربایجانی‌ها اعلام داشتند (۱) پارسیان برهبری اردشیرجی ایدلجی ریبرتر و ارباب فریدون خسرو و ارباب جمشید جمشیدیان گردآمده از هرگونه همکاری و فداکاری در راه آزادی دریغ نداشتند بنسب پارسیان درخانه ارباب فریدون خسرو تشکیل میشد (۲) و او واسطه پخش اسلحه‌ای بود که وسیله پارسیان از جنوب یا وسیله مجاهدان آذربایجان از قفقاز وارد میشد و بهر کس که به انچمن معرفی میشد يك قبضه تفنگ و صد تیر فشنگ داده میدادند .

« ارباب فریدون روزی در جریان فعالیت‌های » **xalvat.com**
« بانکی تجارخانه از یکی از دوستانش بنام مرحوم »
« ورقا که خود از آزادیخواهان بود و در بانک روس »

۱- در روزنامه صور اسرافیل سال اول شماره ۲۲ صفحه ۸ آگهی پیوستگی پارسیان به اتحادیه آذربایجانیها .

۲- روزنامه محاکمات ۲۳ محرم ۱۳۲۶ .



« کار میکرد کسب اطلاع نمود که محمد علی میرزا »
 « برای تأمین هزینه خود به پول احتیاج داشته و چون »
 « بانک استقراضی روس هم بدون وثیقه پولی باو نمیداد »
 « لهذا زیر پوش سروارید بافت مادرش را که جزء »
 « جواهرات سلطنتی بوده در بانک روس گرو گذاشته و »
 « پول دریافت داشته است . شادروان فریدون این »
 « خبر را بکمیته مجاهدان میرساند تا بلکه چاره جوئی »
 « نمایند مبدا تمام جواهرات سلطنتی باین نحو بگرو »
 « رود . » (۱)

xalvat.com

پارسیان کمک‌های مالی شایانی به مشروطه خواهان نمودند و برای این منظور شرکتی تشکیل دادند که مرکز آن در یزد (سال ۱۲۷۴) و شعبه‌های آن در لندن و بمبئی بود يك فقره کمک آن شرکت مبلغ ده هزار تومان بود که آنروز در اختیار مشروطه خواهان گذاشتند و گذشته از آن پارسیان و زرتشتیان مقداری اسلحه قاچاق خریداری کرده در اختیار مشروطه خواهان میگذاشتند (۲).

تجارتخانه های جمشیدیان و جهانیان تفنگ و فشنگ و اسلحه کمری از راه بندر بوشهر وارد میکردند و در بسته‌های پارچه و پنبه به تهران و تبریز و رشت و اصفهان حمل کرده در اختیار مجاهدان میگذاشتند این دو تجارتخانه در میان ایلات و عشایر اعتبار داشته و نشان و علامت تجارتخانه آنها موجب میشد که در راهها بکالای آن تجارتخانه‌ها دستبرد نزنند . وانگهی برخی از زرتشتیان زیرعبا و سرداری تفنگ برای مجاهدان میبردند و کسی بآنها بدگمان نمیشد .

۱- ماهنامه هوخست دوره بیستم شماره ۳ صفحه ۱۳ گفتار دکتر فرهنگ مهر.

۲- روزنامه صوراسرافیل شماره ۳۱



ارباب جمشید جمشیدیان صاحب تجارتخانه جمشیدیان از بازرگان نیکنامی بود که از هیچگونه مساعدت به مشروطه خواهان دریغ نمیداشت (۱) و چون آنها زرتشتی بودند مأموران دولت بآنها بدگمان نبودند .

فریدون خسرو اهرستانی (گل خورشید) از بنیادگذاران انجمن زرتشتیان و رئیس شعبه تجارتخانه جهانیان در تهران نیز در توزیع اسلحه میان مشروطه خواهان کوشش بسیار داشت و قتی از همکاری ارباب فریدون خسرو با مجاهدان آگاهی پیدا شد سیلاخوری‌ها شبانه بخانه او ریختند و با آنکه خانمش حامله بود او را کشتند در نتیجه فشار مجلسیان هفت نفر که مظنون بودند دستگیر شدند و مدتی در دیوانخانه زندانی بودند آنها را به نظمیہ بردند پس از چند شب دیوار زندان را سوراخ کرده گریختند معلوم نشد مأموران نظمیہ بآنها کمک کرده بودند یا خود چنان کردند .
xalvat.com

ارباب کیخسرو منشی ارباب جمشید جمشیدیان بود که پس از امضای فرمان مشروطیت علما و مردم در تهران جشن گرفتند و در این مراسم از چهار تن از بزرگان زرتشتیان که آنها نیز در تحصیل مشروطه فداکاری کرده بودند دعوت کردند این چهارتن ارباب جمشید جمشیدیان ، استاد کیومرث وفادار میرزا کیخسرو شاهرخ منشی تجارتخانه ارباب جمشید و ارباب کیخسرو کرمانی بودند .

در مجلس جشن سخنرانان از علما و وعاظ سخن گفتند و انتظار داشتند زرتشتیان هم چیزی بگویند رو به ارباب جمشید کردند او اینکار را به استاد کیومرث محول کرد استاد کیومرث از پیروزی مجاهدان و فواید آزادی و مشروطه سخن گفت روزنامه‌های وقت متن سخنرانی او را گرفته قسمتهایی را در روزنامه‌ها چاپ کردند .

۱- در فرزنانگان زرتشتی نوشته رشید شهمردان شرح دهش و نیکوکاری ارباب جمشید آمده است .



علما اظهار داشتند پارسیان و زرتشتیان نیز در این نهضت سهم بزرگی داشته و شایسته است در مجلس نماینده داشته باشند و رو باستاد کیومرث کردند که نمایندگی زرتشتیان را بپذیرد استاد کیومرث گفت بزرگ زرتشتیان ارباب جمشید است ازینرو ارباب جمشید بنماینده گی دوره اول مجلس شورای ملی انتخاب شد .

پس از دوره اول بواسطه کثرت کارهای بازرگانی که از جمله حمل و نقل پست با او بود ازینکار شانه خالی کرد برای نمایندگی زرتشتیان در دوره دوم از استاد کیومرث دعوت کردند او در یزد بود و نپذیرفت میرزا کیخسرو شاهرخ منشی تجارتخانه جمشید جمشیدیان را انتخاب کردند که تا پایان عمر نماینده زرتشتیان در مجلس بود .

تجارتخانه ارباب جمشید پارسائی نیز مأمن آزادبخواهان بود و ملك المتكلمين ، تقی زاده و صور اسرافیل در آن تجارتخانه بودند که ملك المتكلمين را دستگیر کردند تقی زاده فرار کرد و چون خواستند صور اسرافیل را پنهان کنند حاضر نشد از تجارتخانه بیرون رفت اورا دستگیر کردند .

مجاهدان کرمانشاه

هنگامیکه محمد علی میرزا از راه دریای مازندران در گرگان از یک کشتی روسی پیاده شد و بیاری تر کمنها قصد تهران داشت دولت از آزادبخواهان شهرستانها استمداد جست از جمله تلگرافی از طرف صمصام السلطنه وزیر جنگ به کرمانشاه برای یار محمد خان که در کرمانشاه تبعید بود مخابره شد و او را در این هنگام حساس دعوت به همکاری و جانبازی کردند .



یارمحمد خان افشار (سردار کل) بایاران خود از کرمانشان سوی تهران حرکت کرد و در نزدیک پالایشگاه نفت کرمانشاه به سردار مظفر که در آنجا سنگربندی کرده بود برخورد . گذشتن از آن راه دشوار بود یارمحمدخان برادر خود حسین خان را مامور کرد بسنگرها تیراندازی کند و خود با چندتن از همراهان به پاتین قره سو رفت تا شاید از آنجا با اسب از آب بگذرند حسین خان تیراندازی آغاز کرد و برخلاف دستور یارمحمدخان تانزدیک پل پیشروی کرد و در آنجا تیری بسینه او خورده از پا درآمد .

یارمحمدخان و ده تن از یاران او از رود گذشته از پشت بسوی پل ساختند و یاران سردار مظفر آشفته گشته سوی شهر گریختند یارمحمد خان در سر پل با جنازه برادر که تیر خورده بود روبرو گشت مجاهدان شبانه بشهر رو آوردند سالارالدوله هفت هزار سوار در شهر داشت و سواران او پراکنده بودند یارمحمد خان خواست از این پراکندگی استفاده کند بدنبال فراریان وارد شهر شدند در نتیجه سالارالدوله نیز سراسیمه گشته از شهر گریخت و اعظم الدوله نایب الحکومه نیز به کنسولگری انگلیس پناهنده شد یارمحمدخان او را از پناهندگی بیرون آورده امور شهر را باو سپرد و سپس همه همدستان سالارالدوله را دستگیر کرد و از آنها بازجوئی نموده مجازات کرد شرف الدوله و برادرزاده اش را اعدام کرد و یکی از ملاها را که علیه مشروطه فتوی داده بود بدار آویخت .

xalvat.com

دشمنان مشروطه علیه او اقدام کرده وقایع را دگرگون جلوه دادند مرکز نسبت به یارمحمد خان بدبین شد و تهران که در برابر کشتن بهبهانی سکوت کرده بود بدار آویختن آن ملا را خود سرانه و ناشایسته دانست . سالارالدوله که از زمان محمد علیشاه حاکم خمسه بود و دشمن آزادیخواهان بود از کرمانشاه فرار کرده گروهی از عشایر لر و کرد را گرد آورده



در کرمانشاه و سنندج موضع گرفته نامه‌هایی بایلات میفرستاد و آنان را به همکاری و یاری میخواند .

یار محمدخان نیز با سواران محلی شهر را بسیج کرد وعده‌ای داوطلب گرفت و از حکمران که در تهران بود کمک خرواست ولی از تهران کمکی نرسید و این امر موجب دلسردی مدافعان گشت در مقابل گروهی به سالارالدوله پیوستند در آغاز اسفند آن سال سواران سالارالدوله بنزدیکی کرمانشاه رسیدند هنگام غروب جنگ در گرفت در آغاز برخورد سواران شهری و یاران یار محمد خان کوششی نمیکردند یار محمد خان دستور عقب نشینی داد و در این کار دویست و سی کشته برجای نهادند .
xalvat.com

سپاهیان سالارالدوله بشهر رسیدند و بکشت و کشتار و غارت پرداختند مجاهدان را بهم بسته بانفت آتش میزدند . اعظم الدوله نایب الحکومه از شهر گریخت دو پسر او را دستگیر کرده سر بریدند و سپس اعظم الدوله را گرفته و به آذربایجان فرستادند قنصل های انگلیس و روس واسطه شدند که از خونریزی جلوگیری شود .

سالارالدوله میخواست حکومت موقتی از کرمانشاه و کردستان و لرستان و خوزستان و آذربایجان و زنجان و همدان تشکیل دهد و دولت مرکزی با آن موافقت نماید و سالانه اندک باجی ازودریافت دارند سالارالدوله تهدید کرد که به تهران نیز حمله خواهد کرد ناچار دولت مرکزی سربازان و سواران بسرکردگی فرمانفرما به برابری با او فرستاد در چهاردهم اردیبهشت با پیشروان سالارالدوله در شورین همدان برخورد کردند فرمانده سپاه سالارالدوله مجمل السلطان پیشخدمت محمد علی میوزا بود در این برخورد دولتیان شکست خورده پراکنده شدند و فرمانفرما بتهران گریخت .

دسته دیگر سپاهیان دولتی بسرکردگی یهونم خان بمقابله او شتافتند



۱۱۷

اگرچه در جنگ پیروم خان کشته شد و فرماندهی به دیگری واگذار شد سپاه مجاهدان بر **مجلل السلطان** پیروز شدند و او را عقب راندند **مجلل السلطان** به تبریز گریخت و بیاری کنسول روس از ایران رفت **سالارالدوله** نیز به سنندج رفت از این موقع **فرمانفرما** استفاده کرده به کرمانشاه رفت اما در این کار نیز برای مجاهدان کار شکنی میکرد ناچار عمده‌ای از مجاهدان بسرکردگی **گری خان** به تهران بازگشتند مجاهدان به همدان نرسیده بودند که خبر بازگشت **سالارالدوله** به کرمانشاه رسید دولت **گری خان** را تلگرافی به مقابله فرستاد و باو وعده کمک مالی داد .

xalvat.com

چون مجاهدان بکرمانشاه بازگشتند **فرمانفرما** با آنان همراه گشته برای دستگیری **سالارالدوله** سوی سنندج رفتند و چون از شهر بیرون رفتند دوروز بعد روز بیست و ششم امرداد ماه **یارمحمد خان** و سیصد سوار از مجاهدان جدا شده سوی کرمانشاه بازگشتند و نزدیک شهر موضع گرفتند صد سوار را بشهر فرستاده یاران **فرمانفرما** و **سهام الدوله** جانشین او را دستگیر کردند و آنچه اسلحه و مهمات درشهر بود تصاحب کردند و اعلامیه‌ای علیه **محمد علی میوزا** و **ناصر الملک** که مجلس را تعطیل کرده بودند صادر نمود و تلگرافهایی به تهران و آذربایجان و گیلان و اصفهان مخابره کردند در نتیجه تهران با گشایش مجلس پس از سه ماه موافقت کرد و به **فرمانفرما** دستور میدهد که بمقابله با **سالارالدوله** پردازد ولی در این هنگام مجاهدان بیشتر اصرار داشتند که مجلس گشایش یابد و تا مجلس بسته است نمی‌خواستند با **سالارالدوله** درگیر شوند .

ایستادگی مجاهدان موجب شد که **یارمحمد خان** تصمیم گرفت به کرمانشاه حمله کند بویژه آنکه مجاهدان از دور و بر **فرمانفرما** پراکنده شده گروهی رو به تهران نهاده بودند علما مداخله کرده به مدافعان کرمانشاه قول



دادند که مجاهدان را به کرمانشاه بازگردانند چون یارمحمد خان نزدیک کرمانشاه رسید نامه‌ای از کنسول انگلیس دریافت داشت که از او تقاضا شده بود جنگ را بشهر نکشاند و در بیرون شهر جنگ کنند این پیشنهاد را یارمحمد خان و فرمانفرما پذیرفتند فرمانفرما قول داد روز چهاردهم مهر از شهر خارج شوند و جنگ را آغاز نمایند ولی یارمحمد خان نیمه شب سیزدهم مهرماه بشهر ناخت و یاران دلیر او بیش از نیمی از شهر را در اختیار گرفتند یارمحمد خان میخواست ساختمان حکومتی را تصرف کند این برخورد يك دودستگی میان مجاهدان پدید آورد نزدیک صبح بود که تیری به یارمحمد خان خورده در خون غلتید شگفت آنکه کشته شدن او را دولتیان در تهران بعنوان کشته شدن يك یاغی جلوه دادند دنباله این حوادث را در جنگ سالارالدوله خواهیم گفت .

xalvat.com

توپ بستن بگنبد و بارگاه حضرت رضا علیه السلام

گفته شد در مشهد نیز روسها با مجاهدان درگیری پیدا کردند و چون یوسف خان با عده‌ای از مجاهدان به صحن حضرت رضا علیه السلام پناهنده شدند روسها گنبد و بارگاه حضرت را بتوپ بسته این رویداد در همه مسلمانان اثر نامطلوب کرد و از همه شهرها ابراز انزجار و همدردی شد .



xalvat.com

آزادیخواهان گیلان

گیلان و مازندران یکی از سنگرهای آزادی و مشروطه خواهی بود که
بکمک تهران قیام کرد .



رئیس المجاهدین میرزا حسن شیخ الاسلام قزوینی

محمد علیشاه محمد ولی خان سپهسالار تنکابنی را بفرماندهی نیروی



۱۲۰

دوئتی برای قلع و قمع مشروطه طلبان و اسکان مجاهدان آذربایجان به تبریز فرستاد اما سپهسالار کاری از پیش نبرد و مشروطه خواهان و مجاهدان بکمک انجمن ملی تبریز و علما جوش و خروش بسیار نشان میدادند محمد علیشاه عین الدوله را بوالی گری آذربایجان فرستاد که سپهسالار بدستور و نظر او کار کند همین امر باعث دلشنگی سپهسالار شد و روزی سپهسالار با سربازان مازندرانی خود بحال تعرض از تبریز خارج گشته بشکاب رفت این موضوع مصادف با انقلاب و جنبش رشت بود مشروطه خواهان و آزادیخواهان گیلان فرصت مناسبی دیدند که سپهسالار را با خود همراه کنند بخصوص که او گروهی سوار و تفنگدار در اختیار داشت.

xalvat.com

سازمان سری در رشت

از مدتی پیش مشروطه خواهان در رشت به رهبری میوزا حسین کسمائی و میوزا کریم خان رشتی از سران آزادی مشغول تدارکات بودند و برای



سردار محی
میرزا کریمخان رشتی

این منظور عده‌ای نارنجک ساز از بادکوبه و قفقاز و گرجستان آورده در خانه میوزا کریم خان مشغول ساختن نارنجک بودند پاتق نامی از روسهای مخالف روسیه تزاری نیز با آنها همکاری داشت چون عده‌ای در خانه میوزا کریمخان مشغول ساختن نارنجک بودند میوزا کریمخان گفته بود نان و گوشت و خواربار از یک دکان و بمقدار زیاد خریداری نکنند مبادا دوئتی‌ها و حاکم پی ببرند که در خانه او عده‌ای هستند

مثلاً اگر یک من گوشت میخواستند از چند قصابی می‌خریدند. هزینه آنها را



دو کس میداد یکی **میرزا حسین خان کسمائی** که از علما بود و در سالک آزادیخواهان در آمده بود و دیگر **میرزا کریمخان رشتی**.

در این هنگام عده‌ای از مشروطه خواهان به شهرداری عثمانیه (قنسواگری عثمانی) در رشت پناهنده شده بودند **سپهدار رشتی** در اروپا بود او نیز هزینه بست نشستگان را در شهرداری پذیرفته بود **میرزا کوچک خان** که آنوقت طلبه بود در شمار بست نشستگان بود و چون دولتیان آنها را متهم کرده بودند که بسابی هستند هر روز دسته جمعی با آوای اذان توسط **میرزا کوچک خان** نماز می خواندند شهرداری عثمانی مقابل بیمارستان پورسینای کنونی و باغ حسین زاده بود.

xalvat.com

مقارن این زمان که آزادی خواهان در بست بودند و جنبش‌های مشروطه طلبی داشتند و در چاره اندیشی کمک به تهران بودند موقع را مناسب شمرده از رنجش **سپهدار تنکابنی** از **محمد علیشاه** خواستند استفاده کنند و او را سوی مشروطه طلبان جلب نمایند دو نفر نامور مذاکره با او شدند یکی **ناصرالاسلام ندامانی** و دیگر **میرزا عیسی سروش** آنها از راه رشت به تنکابن رفتند و **سپهسالار** را دعوت به اتحاد و همکاری با مشروطه خواهان و مبارزه با **محمد علی شاه** نمودند **سپهسالار** گفته بود «وضع ما از لحاظ نفرات مشخص است اما وضع شما بر من نامعلوم است شما باید خودتان را بنمایانید تا بتوانیم هم پیمان شویم».

در آن هنگام حاکم رشت **آقابالاخان سردار** بود و از عمال استبداد و مانع اجرای نقشه‌های آزادیخواهان بود مجاهدان قرار گذاشتند مشروطه - خواهان گیلان او را از میان بردارند و رشت را تصرف کنند اگر چنین کردند **سپهسالار** هم بآنها پیوندد و گرنه تعهدی نداشته باشد.

برای اینکار قرار می گذارند **سپهسالار** بعنوان دیدار **آقابالاخان سردار** حاکم رشت از راه دریا به بندر پهاوی برود و در آنجا منتظر اقدام باشد



۱۲۲

باین معنی که اگر آزادیخواهان موفق شدند رشت را از قوای دولتی پاک کنند و بگیرند نارنجکی منفجر نمایند و با صدای انفجار او جریان را دانسته و بآنان ملحق گردد و گرنه تعهدی نداشته باشد.

xalvat.com

رویداد روز عاشورا

روز دهم محرم در نتیجه برخورد دسته‌های سینه زن محلات با یکدیگر بعثت تقدم و تأخر ورود به مجلس عزاداری در شهر زدو خورد و دعوا در گرفت تیری از طرف یکی از فراشها رها میشود و میرعلی اکبر تبریزی از طلبه‌ها کشته میشود آزادیخواهان این موضوع را دستاویز ساخته و جسد را برداشته در کوی و بازار می گردانند و فراش خاطی را برای مجازات از حاکم میخوانند اما قاتل میرود کنار توپ دارالحکومه بست می‌نشیند تا کسی باو دست رسی پیدا نکند از عصبانیت مردم و بازار استفاده میکنند آزادیخواهان یکباره شانزده نفری تفنگدار را مسلح به ده تیر آلمانی (ماوزر) میکنند که تا آن زمان در ایران استعمال نشده بود سران آزادی با بازاریان قرار گذاشتند که وقتی صدای تیر بلند شد آنان هرچیز صدا دار که در خانه و بام دارند بصدا در آورند که در شهر صدا و هیاهو زیاد شود و سربازان گمان کنند تفنگدار زیاد است زیرا سربازخانه در کنار بازار بود جایی که اکنون بانک است و پیش از این داروخانه‌ای آنجا بود.

دوازدهم محرم سه‌سالار بهانه آنکه آقابالاخان (سردار افخم) دیدن کند . خود را بندر پهلوی میرساند .



قیام در رشت

xalvat.com

روز ۱۶ محرم قرار بود در رشت قیام مسلحانه شود فرماندهی دسته مهاجم با میرزا حسین خان کسمائی بود که به همراهی نارنجک اندازها سربازخانه را باید مورد تعرض قرار دهند عده‌ای که مسلح بودند با عبا که زیر آن ده تیر پنهان کرده بودند، در اطراف سربازخانه پراکنده و آماده دستور و اقدام دسته جمعی بودند که باید آقابالاخان سردار حاکم گیلان را بکشند دسته دویم بسرکردگی معزالسلطان که بعداً سردار محیی لقب گرفت قرار بود وقتی آقابالاخان سردار کشته شد یک نارنجک بترکانند و با این علامت تعرض به سربازخانه آغاز شود.

کشتن آقابالاخان سردار

برای اجرای توطئه قتل آقابالاخان سردار قسمت اول نقشه بوسیله حاج میرزا خلیل عموی قائم مقام رشتی طرح میشود باین صورت که او سردار همایون رشتی را ترغیب کرد که در باغ خود بیرون شهر رشت بنام



۱۲۴

باغ مدیر به مجلس قماری برپا کند و آقابالا خان سردار را با نزدیکان بآنجا دعوت نماید .

مجلس در باغ تشکیل میشود و آقابالا خان سردار سرگرم بازی بود و دم در باغ قراول گذاشته بود .

اما نقشه مشروطه خواهان آن بود که او از دسته جات خود جدا ماند و نتواند مقاومت نماید .

در این هنگام سردار محیی با سه نفر نارنجک انداز با درشکه بدر باغ میآید چون مرد متعینی بود مانع و مزاحم او نمی شوند اما وقتی که میخواست وارد سرسرا شود جلو در قراول جلو گیری میکنند که برود اجازه بگیرد که آنها مجال نداده قراول را با تیر میزنند و در اتاق بازی آقابالا خان سردار را با ده تیر میزنند دو نفر از مهمانها نیز کشته میشوند (روز شانزدهم محرم ۱۳۲۷ ه ق) در این هنگام بلافاصله يك نارنجک می ترکانند که صدا به شهر میرسد و میوزا حسین خان کسمائی از یکطرف و دسته کوچک دیگر با چند نارنجک انداز به دارالحکومه که چندان فاصله ای نداشته حمله میکنند و آنجا را آتش میزنند ده تیرها نیز سر بازخانه را زیر آتش میگیرند و بازاربان سروصدا و هیاهو راه انداخته مردم با صدای الله و محمد و علی به سر بازخانه هجوم میآورند سر بازها که خبر کشته شدن حاکم و آتش زدن دارالحکومه و هیاهوی مردم را می شنوند گمان می برند که عده مهاجمان زیاد است اگر چه مدتی پایداری و ایستادگی میکنند و تیر اندازی میشود اما نزدیک ظهر تسلیم می شوند دسته سردار امجد نیز که از گرگان برای استقرار نظم در شهر بکمک دولتی ها آمده بود ، پس از شنیدن خبر قتل آقابالا خان سردار و تسلیم سر بازخانه فراری و متواری میشود .

و محمد ولیخان تنکابنی سپهسالار بیاری پیروم رشت را گرفتند و قزاقها

دولتی بطرف قزوین عقب نشستند .



۱۲۵



پیرم خان ویارانش

پس از کشته شدن آقابالاخان سردار در گیلان حکومت موقتی تشکیل
و اعلام میشود .

xalvat.com



کمیته ستار

xalvat.com

در زمانیکه سوسیال دموکراتها در گرجستان علیه نزار روس فعالیت پنهانی داشته و سازمان زیر زمینی و خرابکاری تشکیل داده بودند نزارها و قاچارها را خودکامه و مستبد دانسته و حمایت روسیه نزاری را از محمد علیشاه در ایران مانع پیشرفت نهضت آزادی و مشروطه خواهی میدانستند. ازینرو برای همکاری با آزادیخواهان ایران یکی از همکاران خود را بنام پرودیاک از راه آستارا به ایران فرستادند پرودیاک پس از ورود به آستارا شهادت الله بصیر منشی قنصلگری روس در آستارا را با خود همراه کرده بیماری او ترتیبی داد که هرینگ از همدستان او که بایران آمده با ارائه نشانه مخصوص خود راه‌هاجر معرفی کند و در قنصلگری روس او را استخدام نمایند و پس از چند روز اقامت در آستارا شیانه به رشت رفته و با آزادی خواهان همکاری نماید پس از او بارون تیکران و سولاک ارمنی و هایکه بایران آمده در قنصلگری استخدام شدند و پس از چند روز دیگر کار خود را ترک کرده ناپدید شدند در ظرف ششماه بیست تن از طرف سوسیال دموکراتها از گرجی و ارمنی از قفقاز برشت فرستاده شدند.

۱۲۷



قره مختار

در رشت میرزا محمد علی برادر کوچک سردار محیی و قره مختار احمدی (۱) که با هم دوست بودند با برودیک و آقاقل میخ فروش و چندتن دیگر کمیته ای بنام کمیته ستار تشکیل دادند کمیته سری بود و نامه هایی که برای کمیته میرسید بنام و نشانی اشخاص گسنام می رسید و گاه رهبری او شبنامه هایی منتشر میشد . کمیته ستار پس از ساختن مقدار زیادی نارنجک دستی و بدست آوردن چند اسلحه کمبری

صورتی تهیه کردند از محمد علیشاه ، عین الدوله صدر اعظم : آقابالا خان سردار وانی گیلان و رشیدالملک حاکم اردبیل و حاکم تبریز و علاء الدوله حاکم تهران که آنها را از میان بردارند .

کمیته ستار در خانه میرزا کویمخان رشتی بساختن نارنجک اشغاف داشتند که شرح آنرا در گفتار آزادیخواهان گیلان خواهم گفتم و چگونگی کشتن آقابالاخان سردار حاکم رشت و بدست آوردن اسلحه برای آزادیخواهان گیلان گفته شد .

xalvat.com

کمیته ستار سپس غدهای را بسیج کرده به تبریز فرستاد تا از پشت بقوای دولتی حمله کنند و مجاهدان را یاری دهند .

۱- مره مختار اردبیلی از خاندان بابا علی بیگ از سران سپاه نادری بود و در رکاب نادرشاه در جنگ هندوستان شرکت داشته پس از مرگ نادرشاه بابا علی را دستگیر و بزندان اردبیل میبرند و پس از چند سال که از زندان آزاد میشود در همان شهر زندگی میکند و خانواده تشکیل میدهد قره مختار یکی از نوادگان اوست آقای منوچهر احمدی فرزند قره مختار است که قسمتی از اطلاعات از او گرفته شده است .



۱۲۸

پس از خاتمه انقلاب تبریز ، اعضای کمیته که در رأس آنها (پیروم) و (قره مختار) قرار داشتند به اردبیل هجوم کردند و این شهر را نیز بتصرف درآوردند ، ولی در میان (مختار) و (پیروم) بر سر مهر کمیته ستار و نگهداری



میرزا علی واعظ و یجویدای در میان آزادیخواهان شهید در
کاروانسرای منک التیجار

xalvat.com

آن اختلاف ایجاد شد که در نتیجه آن مختار که بحمايت عشایر شاهسون امیدوار بود ، باکسان خود بسوی آنها رفت و به همراهی عده کثیری از شاهسونها به اردبیل حمله کرد تا آنها را از چنگ پیروم در آورد و ستارخان و پیروم که از فزونی قوای مختار و قدرت تحرك او آگاهی داشتند بطرف سراب عقب نشینی کردند وضع آشفته شد سرانجام حاج میرزا محمد صالح معروف که از آزادیخواهان و معممین مورد احترام عامه بود ، نامه ای بمختار نوشت و او را سرزنش کرده و از (غارت شهر اردبیل) منع نمود و به آرامش و همراهی خواند . اما او جواب داد که من نه تنها برای غارت نیامده‌ام در صورتی آرام میشود که مجاهدان آذربایجان امسواک غارت شده را مسترد کنند .



۱۲۹

سرانجام قرنر شد. درچه از اموان مردم شهر عشایر و آذربایجانیهها غنارت کرده‌اند در (اروج دکان) جمع کرده به صاحبانشان مسترد شود ، دستارخان با قره مختار صاحب میکند و ستارخان در اردبیل میماند که جلو حمله عشایر شاهسون را بگیرد .

شخصی بنام خانلو که از مجاهدان بود و با مستبدان درجنگ و ستیز بود نیز با آنها همکاری داشت .

مختار و پیرم بادسته‌ای که آماده شده بود از راه سراب به قزوین رفتند و قرار بود از رشت نیز سردار محیی با عده‌ای بآنها پیوندند، عده‌ای از تبریز بسر کردگی حیدر عموغلی نیز بآنها پیوستند و عده‌ای از مجاهدان قفقاز بریاست (سوچی میرزا شیرعلی زاده) که به رشت وارد شده بودند بیاری سردسته نامبرده بطرف قزوین حرکت کردند و هجوم آنها هم‌آهنگ با هجوم سایر قهرمانان مشروطیت بتهران آغاز شد .

فرماندهی و تشکیل نظام ملی

پس از پایان کار رشت شهر در دست مشروطه خواهان می افتد و مشروطه خواهان بسا سپهسالار در بندر پهلوئی تماس دو باره میگیرند سپهسالار شرط میکنند که فرماندهی قوا باو داده شود آنان قبول میکنند روز ۲۰ محرم ۱۳۲۷ سپهسالار باتجلیل بسیار برشت وارد میشود و فرماندهی مجاهدان گیلان منصوب میشود چهار روز پس از ورود سپهسالار برشت پیرم ارمنی که در بخش ناصریه رشت نزدیک ورزشگاه کنونی کوره آجرپزی داشته با عدای از کارگران ارمنی خود را به کمیته آزادیخواهان معرفی میکند پیرم خان پیش از آن با میرزا حسین خان کهسانی تیزروابط سری داشت پس از پیوستن او به آزادیخواهان از روز ۲۵ محرم از مردم دعوت میشود که برای فتح تهران جوانان در نظام



۱۳۰

ملی شرکت نمایندند . و در همان مسوق بگردآوری اعانات و بسیج نفرات میپردازند .

گردآوری اعانات بدو صورت بودیکی کمکهاییکه از متمکنین می گرفتند و دیگر عدهای از سادات با عمامه سبز شمشیر بسته بعنوان نماینده امام زمان به دهات و روستاها رفته کمکهای نقدی و جنسی جمع آوری میکردند و از این مأمورین باندازه ای استقبال میکردند که حد ندارد چنانکه زنان دهقانی حتی از دادن گوشواره و دستبند و سکه و طلا آلات خودداری نمیکردند و مردان دهقان گیلانی با تفنگ بهمراه آنها بشهر آمده به نظام ملی می - گرویدند.

xalvat.com

فرماندهی میرزا کوچک خان

تشکیل نظام ملی و بسیج جوانان مصادف با هنگامی بود که در تبریز انقلاب بود . و نیروی کمکی از تهران سوی تبریز در حرکت بود مجاهدان گیلان نقشه می کشند که برای آنکه نهضت تبریز خاموش نشود بهتر است تهران مورد تعرض واقع شود تا تبریز بتواند پایداری و قیام نماید از این جهت قرار میشود دو دسته از مجاهدان گیلان و مازندران به تهران تعرض نمایند دسته اول از مجاهدان گیلان بفرماندهی میرزا کوچک خان از راه منجیل و دسته دوم بفرماندهی سپهسالار تنکابنی بانفنگداران مازندرانی و تنکابنی از راه الموت ورودبار قزوین حرکت میکنند .

دسته اول بسرکردگی میرزا کوچک خان خود را به منجیل میرسانند میرزا کوچک خان برای تمرین جنگهای چریکی در منجیل توقف میکند و ساعت يك بعد از نیمه شب یپوم با دسته ارمنی خود بصورتی که سربازان دیگر نفهمند متعرضانه تیر و تفنگ آزمایشی در میکند و میرزا کوچک خان



xalvat.com

۱۳۱

مراقبت میکند که ببیند چه کسانی میترسند و جر بزه ندارند آنها را شناخته فردا صبح آنان را روانه رشت میکند و اما چون میرزا کوچک خان مبتلا به مالاریا بود و تب و نوبه میکند نمی تواند بادسته جات خود به قزوین و نهران برود برای آنکه وقفه ای در کار پیدا نشود پیوم را بجای خود بفرماندهی گماشته بتهران میفرستد .